

بسم الله الرحمن الرحيم

نگاهی به علل تمرکز دشمن بر دانشگاه‌ها در اغتشاشات اخیر

آنچه ملاحظه می‌فرمائید متن پیاده شده سخنرانی دکتر تهرانچی ریاست محترم دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد که در همایش جهاد تبیین سازمان بسیج اساتید در مهرماه ایراد شده است که جهت استفاده مسئولان و اساتید شبکه ملی جهاد تبیین تقدیم می‌گردد.

اولین نکته مهم در موضوع جهاد تبیین این است که بدانیم ملتی که آرزایمر بگیرد آینده ای نخواهد داشت. مهمترین نکته این است که دشمن می‌خواهد مردم و جوانان ما گذشته خود را فراموش کنند. زندگی مجازی در فضای کرونا باعث شده که جوانان ما و دهه هشتادی ها با گذشته خودمان آشنا نباشند که این مطلب بسیار مهم است. در این مجال کوتاه می‌خواهم با تکیه بر اسناد غربی بگویم که اوضاع چیست. در سال ۲۰۱۶ **NSF** طی یک گزارش سالانه تحت عنوان **engineering indicators (Science and)** می‌نویسد که توسعه اجتماعی و روند رشد در مناطق مختلف یک جابجایی شگفت انگیز در جغرافیای جهانی پژوهش، آموزش و فعالیت های تجاری علم و فناوری پدید آورده است.

آمریکایی‌ها می‌گویند که جغرافیای جهانی در حال تغییر است. پدیدار شدن یک دنیای چند قطبی فزاینده در علم و مهندسی پس از ده‌ها سال تحت رهبری آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن بوده است. این گزارش اعلام می‌کند که جغرافیای جهانی علم، آموزش و پژوهش و نوآوری در حال تغییر است و ما در حال از دست دادن رهبری علمی در دنیا هستیم. سند بعدی چشم‌انداز پژوهش انگلستان در سال ۲۰۱۰ است که برای سال ۲۰۳۰ تنظیم شده است در این سند می‌گوید آمریکا که بازیگر اصلی پژوهش در دنیا است نسبت به جابجایی لحظه‌ای دورنمای جهانی رقابت که بطور ویژه و نه منحصرأ ناشی از توانمندی در حال رشد علمی و فناوری چین و هند است و انگلستان هم باید به همان میزان، بزرگی این تهدید را درک و اقدام مناسبی انجام دهد.

گزارش دیگری تحت عنوان " فراتر از طوفان پیش رو" در دوران اوباما توسط آمریکا تهیه شده است. این گزارش یک فراخوان بیدارباش برای آمریکا مبتنی بر تهدیداتی است که پیش روی سلطه آنها قرار دارد و دقیقاً اشاره می‌کند که جمهوری اسلامی در این مسیر علمی حرکت کرده و چین در سال گذشته از لحاظ رتبه مقامات علمی آمریکا را برای اولین بار پشت سر گذاشته و در ردیف ۲۰ کشور اول دنیای علم که ظهور کرده اند، قرار گرفته است و این یک تهدید پیش روی ما است و این عقیده در آمریکا وجود دارد که نه تنها در ارتباط با آموزش بلکه در زمینه صنایع دانش بنیان نیز پیشتازی آمریکا در معرض تهدید است. این اعترافات صریح خودشان در متون و اسنادشان است.

اساتید عزیز! من می‌خواهم شما را متوجه به ریشه بحث جنگ شناختی امروز کنم. ۱۷ سال پیش در مجله نیچر بعد از اینکه ما در زمینه فناوری نانو و بیوتکنولوژی سرمایه گذاری کردیم، غربی‌ها برای اینکه بفهمند در ایران چه خبر است خانم کریستین آبورت سردبیر نیچر در اروپا را به ایران فرستادند که برو ببین در این کشور چه خبر است. ایشان آمد و پس از بازگشت مقاله‌ای را در این مجله در شماره ۴۳۵ به تاریخ ۱۹ می ۲۰۰۵ با عنوان رژه بزرگ ایرانیان منتشر کرد و نوشت مرجعیت علمی در حال بازسازی دوباره در ایران است. خوب دقت کنید که ما در سال ۲۰۰۵ از جایگاه ۵۶ به ۳۴ رسیده بودیم و هنوز به جایگاه امروز که ۱۵ است نرسیده بودیم. این خانم در این مقاله می‌گوید این حرکت در ایران در حال تغییر به یک جریان است و فقط با اغتشاش سیاسی و یا تحریم مضاعف می‌توان جلوی آن را گرفت.

تحریم و اغتشاش دو لبه یک قیچی برای جلوگیری از مرجعیت علمی ایران است. وی در این مقاله توصیف می‌کند که این مرجعیت علمی چگونه در ایران حادث شده است و از رهبری آیت الله خامنه‌ای نام می‌برد که بطور مؤثر کشور را رهبری کرده است به سمت مسیر توسعه علمی درون‌زا و مستقل و نه تبعی و وابسته سوق دادن است. می‌گوید این‌ها یک جامعه کوچک آکادمیک و نخبگانی و علمی دارند که با همه وجود این‌جا رهبرشان را گرفته‌اند. حالا چرا از این جامعه نخبگانی احساس خطر می‌کنند؟ از سرمایه ایران در گذشته که رهبری علم را در دنیا داشته و کسی که یکبار در یک جام جهانی قهرمان شود همیشه برای رقیب ترسناک است و آنها این را می‌فهمند و به نتیجه

می‌رسند که باید بین جامعه علمی و رهبری فاصله بیفتند. کلیدواژه‌ها را دقت کنید. ایران و رهبری، پیشرفت، مسیر بازسازی دوباره، آگاهی از گذشته تاریخی رهبری علمی ایران و می‌نویسد این‌ها از هر دشمنی خطرناک‌تر هستند و سوال می‌کند که با این کشور خطرناک باید چه کار کرد؟ و پاسخ می‌دهد اغتشاش سیاسی و تحریم‌های جدید. این متن مجله نیچر است که رسماً آن را اعلام می‌کنند. توجه داشته باشید که از نگاه آن‌ها جمهوری اسلامی در گزارش JIR رتبه چهارم در فارغ‌التحصیلان علوم مهندسی است. پس خطرناک است و این قدرت نوآوری ظرفیت نوآورانه ملت را بالا برده و می‌تواند در اقتصاد مؤثر باشد و نتیجه آنکه باید مهندسی این کشور مورد حمله قرار گیرد و این یعنی جنگ شناختی.

چند درصد از دانش‌آموزان مدارس رشته ریاضی را انتخاب می‌کنند؟ ده درصد. این یعنی جنگ شناختی. چند درصد از دانشجویان ما در کنکور ریاضی شرکت می‌کنند؟ ۱۲٪. این یعنی جنگ شناختی. با این حساب در جنگ شناختی کدام دانشگاه‌ها باید عرصه تهاجم واقع شود؟ دانشگاه‌های مهندسی. چرا این دفعه به دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی خیلی کار نداشتند و به قلب مهندسی ما زدند؟ زیرا تحلیل و برنامه دارند. ما نه تنها در رشد علمی بلکه در توسعه آموزش عالی هم جزء ۱۰ کشور برتر دنیا هستیم. آلان در غرب ۵۱٪ از ۱۸ تا ۲۴ ساله هایش می‌آیند دانشگاه، تا قبل از دولت سابق ما به عدد ۴۸٪ رسیده بودیم که متأسفانه با شعارهای عجیب و غریب این درصد را کاهش دادند. در این سند می‌گوید دولت‌ها در برخی از کشورها دسترسی به آموزش عالی را با اولویت

بالایی فراهم کرده اند و با افزایش جایجایی نیروهای ماهر خود در حوزه علوم و مهندسی فعال شده اند بطوری که این کشورها در جذب استعدادهای درخشان با یکدیگر مسابقه گذاشته اند و می پرسد حالا ما باید با این روند چیکار کنیم. در سند بیست صفحه ای انگلستان می گوید چشم انداز ما این است که آهنربای جذب نیروهای ماهر دیگر کشورها بشویم.

عزیزان هشیار باشید تاریخ علم را نگاه کنید، قبل از جنگ جهانی اول مداخله دولت ها موضوعیت داشت ولی در سال ۱۹۱۴ یک اتفاق افتاد و آن ترور پادشاه اتریش در مجارستان و وقوع جنگ جهانی اول بود. قبل از جنگ جهانی اول علم برای نظریه آفرینی بود، علم برای علم بود ولی بعد از جمگ جهانی اول، علم برای فناوری های نظامی تعریف شد. پروژه منهتن و سلاح هسته ای کار ۷۰هزار نفر روی این پروژه، جالب این است که بدانید پایان جنگ را در کدام کشور اعلام کردند؟ در ایران! ایران چه کاره جنگ بود؟ چرا سه تا صندلی در ایران گذاشتند؟ چون اینجا محور تحول دنیا است. تمدن در اینجا شکل می گیرد و خواستند پیروزی شان را اینجا اعلام کنند و گرنه جنگ در اروپا بود و ما اصلاً در جنگ نقشی نداشتیم ولی عمداً آمدند و در تهران پایان جنگ را اعلام کردند. پس از جنگ جهانی یک دوره از ۱۳۴۹ تا ۱۹۵۶ دوران آمریکا سالاری با پرتاب اسپوتنیک تمام شد و پرتاب این موشک آغاز جنگ سرد اول شد. در اینجا علم شد برای اقتدار، یک موشک برای این کشور، یک موشک آن کشور، یک اسلحه این کشور و یک اسلحه آن کشور. این شد شرایط جدید حاکم بر شرایط جنگ سرد و بخصوص دانشمندان فیزیک و در رتبه بعد بقیه دانشمندان در خدمت

علم برای اقتدار تعریف شده اند. در جنگ سرد از اواسط راه امریکا تغییر مسیر داد. در سال ۱۹۷۵ نظریه گارسن دانشگاه اجتماعی، نظریه شرطبندی، نظریه بحث های دموکراتیزه کردن جوامع مطرح شد و امریکا توانست با تغییر ماهیت، جنگ سرد را با مفهوم جنگ نرم پیش ببرد و با شعار حقوق بشر به چین و شوروی حمله کند. در این تهاجم چین تیانگ مین چه کرد؟ با قدرت نظامی و تانک داستان را جمع کرد ولی در شوری گر با چف قلابشان گیر کرد و با شعار دموکراتیزه کردن جامعه توانستند فروپاشی را انجام دهند و امریکا قدرت منحصر به فرد شد با شعار جهانی سازی و دهکده جهانی تا سال ۲۰۰۱. در این سال ۲ اتفاق افتاد یک، حمله به برج های دوقلو و دوم برگزاری یک نشستی در کاخ سفید با محوریت کلینتون و ۸۹ نفر از نظامیان، دانشمندان و سیاسیون با بحث تغییر رویکرد علم و اعلام نانوتکنولوژی. در سال ۲۰۰۸ پروفوسور "نیل" در کتاب پسا اسپوتنیک نوشت جنگ جهانی علیه تروریسم و این یعنی تغییر جهت علم، و علم برای بیوتکنولوژی در آزمایشگاه و نتیجتاً یعنی یک جنگ بیولوژیک. ایشان در دانشگاه میشیگان با انتشار کتابش می گوید ما باید منتظر اسپوتنیک دیگری باشیم (اسپوتنیک اسم واکسن روس ها). و بعد جنگ جهانی علیه تروریست که ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شروع شد و در سال ۲۰۱۹ با شهادت سردار مبارزه با تروریسم با فرمان رئیس جمهور جلاد امریکا خاتمه یافت و جنگ سرد جدیدی شروع شد. جنگ سرد جدید دوقطبی که قطب اول علمی و قطب دوم اقتصادی بود و سپس پیمان های اقتصادی مثل شانگهای که شکل گرفت.

حمله بعد برای پیروزی آمریکایی ها این است ترکیب فناوری سخت و نرم، هجمه به جمهوری اسلامی در قالب یک جنگ شناختی و بکارگیری هوش مصنوعی. باید در اینجا اعتراف کنیم که ما در کرونا غفلت کردیم و بصورت افراطی به سمت فضای مجازی رفتیم و صحنه تربیت را واگذار کردیم. آنها هم حداکثر استفاده را کردند در پسا کرونا یعنی یک جنگ شناختی نرم و سخت جدید. در آیه شریف قرآن آمده است که "یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا" ای اهل ایمان شما که فرمانده جامعه هستید، شما که سرپرست جامعه هستید، اگر خانواده هست خانواده، اگر دانشگاه هست، دانشگاه. اگر مدرسه است، مدرسه. اگر دولت است، جامعه؛ این نار مشخصه اش چیست؟ (وقودها الناس و الحجاره) ترکیب انسان و ایدئولوژی است. هرآن چه که دست من و شما است. یعنی موبایل و ... و حجاره یعنی سنگ، (سنگ معدن سیلیس)، آهن، نقره، طلا و غیره شده است تکنولوژی، انجایی که جنگ شناختی ترکیبی از نرم و سخت است که روش دارد ولی بحثش مفصل است. یادمان باشد در جهاد تبیین باید به زبان قوم صحبت کنیم نسلی که با آنها مواجه هستیم تغییرات جدی دارند و برای تبیین باید با زبان خودشان سراغشان برویم که امیدوارم خداوند کمک کند که در این جهاد تبیین و جنگ ترکیبی و پیچ تاریخی سرباز لایقی باشیم. انشالله

و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

